

درآمدی بر هیدروپلیتیک منطقه خلیج فارس

آرش قربانی سپهر^۱
زهره سلطان محمدی^۲
زهره انصاری^۳

چکیده

امروزه آب به عنوان یکی از منابع جغرافیایی قدرت دارای نقش و جایگاه بسیار بالایی در مناسبات میان کشورها میباشد. به گفته بسیاری از متخصصین ژئوپلیتیک، جنگ آینده، جنگ بر سر دستیابی به منابع آبی خواهد بود. کمبود آب آشامیدنی در منطقه خلیج فارس دولتمداران را بر آن داشته که سیاستهای گذشته خود را بازبینی نمایند و نگرشی واقع‌گرایانه‌تر به این مسئله داشته باشند. از اینرو کشورهای منطقه خلیج فارس با توجه به عدم دسترسی به این منبع (آب آشامیدنی) از چالشهای بسیاری برخوردارند؛ هر چند که کشورهای این منطقه دریای خلیج فارس را در اختیار دارند، اما بدلیل شوری آب نمیتوانند نیاز آب شرب خود را تأمین نمایند. از سوی دیگر، کشورهای این منطقه بدلیل قرار گرفتن در کرانه‌های دریای خلیج فارس، از موقعیت استراتژیکی خوبی برخوردارند و خلیج فارس میتواند نقش برجسته‌یی در مناسبات بین‌المللی این کشورها بازی کند. نوشتار حاضر با رویکرد و روش توصیفی-تحلیلی در پی بررسی هیدروپلیتیک خلیج فارس است و نشان میدهد که جنگ آینده در منطقه، جنگ آب و دستیابی به منابع آبی است که ایران اصلیتین نقش را در شکل‌دهی صلح و همگرایی بجای تنش و نزاع بر سر دستیابی به منابع آبی برعهده دارد.

کلیدواژگان

خلیج فارس؛ هیدروپلیتیک؛ مناسبات قدرت؛ آب آشامیدنی

مقدمه

هیدروپلیتیک شاخه‌یی معرفتی از دانش ژئوپلیتیک است که به بررسی نقش آب در مناسبات سطوح محلی، ملی، منطقه‌یی و جهانی میپردازد. از اینرو نوع برهمکنش میان ملتها در بهره‌برداری از این منابع آبی مشترک، طیف گسترده‌یی از سازگاری و همکاری کامل تا ناسازگاری و جنگ را در برمیگیرد. بر این مبنا، با توجه به مصرف فزاینده آب در آینده و افزایش مصرف کشورهای فرادست در بهره‌برداری از این منابع، شاهد فزونی مشاجرات هیدروپلیتیک میان ملتها خواهیم بود. با توجه به این واقعیت، برخی از ژئوپلیتیسینها، عصر کنونی را عصر هیدروپلیتیک مینامند و بر این باورند که اغلب درگیریها و جنگهای منطقه‌یی در جهان بدلیل بحران برآمده از کمبود آب خواهد بود.

در سراسر تاریخ بشر، دسترسی مطمئن به آب، یک شرط اساسی برای توسعه اجتماعی، اقتصادی و پایداری فرهنگ و تمدن بوده است؛ این امر تا بدانجا نقش داشته که حتی اگر کشورهای در حال توسعه روشهای جدیدی برای توسعه خود در پیش گیرند و از اشتباهات گذشته اجتناب نمایند، باز هم تصور استمرار توسعه پایدار در شرایطی که «کمیاپی» و کمبود منابع و ذخائر «آب شیرین تجدید شونده» وجود دارد، بسیار دشوار است. امروزه «آب‌شناسان» و حتی سیاستمداران کشورهای مختلف جهان یقین دارند که نحوه استفاده از منابع

۱. دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران؛
ar.ghorbanisephr@mail.um.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس تهران
(نویسنده مسئول)؛

zahramohammadi93@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران؛
ansari.zahra@ymail.com

به همین دلیل، آب منبعی بسیار ارزشمند بشمار میرود. از سوی دیگر، نوع بشر در هر گوشه و کناری از سطح زمین ولو با شرایط بسیار سخت و خشن طبیعی و بوم‌شناختی سکنی گزیده است. این امر یکی از مهمترین دلایل پیدایش دانش هیدروپلیتیک میباشد؛ زیرا گروه‌های انسانی همواره بر سر منابع ارزشمند و کمیاب آب به رقابت پرداخته و با یکدیگر منازعه میکنند. این معادله بسیار ساده بنظر میرسد. آب ماده‌ی کمیاب و در عین حال ضروری برای حیات، سلامتی و رفاه بشمار میرود، پس رقابت بر سر آن امری اجتناب‌ناپذیر است. نتیجه اینکه آب ماده‌ی است که همواره با قدرت سیاسی پیوند داشته و دارد (عراقچی، ۱۳۹۳: ۹۷). با نگاهی به متون و ادبیات موجود در حوزه مطالعاتی هیدروپلیتیک، چهار گرایش قابل تشخیص است: (۱) آب، منازعه و همکاری؛ (۲) آب و محیط زیست؛ (۳) آب و امنیت؛ (۴) آب، جامعه و فرهنگ (Turton & Henwood, 2002: 13). بنابراین آنطور که بایسته و شایسته است میتوان هیدروپلیتیک را اینگونه تعریف نمود: دانش شناخت، کسب، بهره‌برداری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت با نگرش و تأکید بر آب و مسائل آب در مناسبات محلی، ملی، منطقه‌ی و جهانی. به بیان دیگر، استفاده و بهره‌برداری از آب به عنوان منبع جغرافیایی قدرت جهت دستیابی به اهداف مناسبات محلی، ملی، منطقه‌ی و جهانی را هیدروپلیتیک گویند (جان‌پرور، ۱۳۹۶: ۷۱).

دولتها عموماً تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی در کنش و واکنش با محیط پیرامونی خود بسر می‌برند. نظام‌های جاری، فکری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از عمده مسائل مورد توجه نظام حاکم بر کشورهاست که در تعامل با یکدیگر، واحدهای سیاسی خرد و کلان انگیزه تعامل و همگرایی یا ستیزش و واگرایی را در سطح حاکمیت ملی یا بین‌المللی تحت شعاع قرار میدهد. روابط همسایگی در سیاست بین‌الملل تحت تأثیر چهار فضای تو در تو و پیوسته است: (۱) فضای بلافصل؛ (۲) فضای منطقه‌ی؛ (۳) فضاهای محیطی؛ (۴) فضای بین‌المللی.

دو کشور همسایه با مرزهای مشترک، تحت تأثیر مستقیم فضای بلافصل قرار دارند. نوع مرز، طول مرز، منابع انسانی

آب دنیا و چگونگی تقسیم آن یکی از عوامل بروز جنگها در اقصی نقاط جهان خواهد بود. بگفته متخصصین، آب دیگر یک کالای فراوان و فاقد ارزش اقتصادی نیست، بلکه یک کالای بدون جایگزین و با ارزش اقتصادی در همه زمینه‌های مصرف میباشد. از اینرو آب شیرین موجود در جهان که هم محدود و هم آسیب‌پذیر و هم عامل اصلی بقاء زندگی، توسعه و محیط است، میتواند تعیین‌کننده وضعیت صلح یا جنگ در عصر حاضر باشد. بر این اساس، یکی از تهدیدات اساسی و چالش‌های پایدار قرن بیست و یکم که آینده زندگی بشر در این کره خاکی را بشدت مورد تهدید قرار میدهد، کمبود منابع و ذخایر آب شیرین تجدید شونده در جهان است؛ این امر در مورد کشورهای منطقه خلیج فارس که بشدت از فقر منابع آبی در مضیقه هستند، تجلی بیشتری دارد. بر این اساس میتوان گفت روابط متعارض در این منطقه یکی از مشکلات آن محسوب میشود که یکی از موانع عمده همکاریها در زمینه‌های مختلف بویژه آب میباشد. در نهایت با توجه به اینکه ۸۰٪ سرزمینهای این منطقه خشک و فاقد آب کافی میباشد، مهمترین مسئله برای ادامه زندگی در آینده تأمین آب است. از اینرو کشورهای منطقه برای آنکه بتوانند نقش و موجودیت خود را حفظ کنند، نیازمند دسترسی به آب بخصوص آب سالم و آشامیدنی هستند. بر این مبنا، هدف از ارائه نوشتار حاضر بررسی هیدروپلیتیک منطقه خلیج فارس میباشد.

ادبیات نظری پژوهش

هیدروپلیتیک از جمله رشته‌های جوان دانشگاهی است که برغم تلاشهای صورت گرفته از سوی صاحب‌نظران بمنظور ارائه یک تصویر دقیق با چارچوب مفهومی مشخص، هنوز در مرحله ابتدایی توسعه میباشد. ظهور هیدروپلیتیک به عنوان یک دانش علمی مشخص، بطور عمده حاصل افزایش آگاهی نسبت به اهمیت آب و موضوعات مرتبط با آن و همچنین رشد خودآگاهی در خصوص اهمیت محیط زیست در کشورهای پیشرفته شمال بوده است. به دلایل مذکور توجه بیشتر بر توسعه مفهومی این دانش از اهم ضروریات بشمار میرود. از زمانی که صاحب‌نظران و پژوهشگران مطالعه مسائل مربوط به آب را آغاز کردند، بسرعت دریافتند که آب پدیده‌ی چندوجهی است. واقعیت آن است که زندگی بدون آب غیرممکن است و

۳. مصرف سرانه انرژی: بطور مستقیم بر بخشهای غیرمصرفی (تولید حرارتی و آبی برق) تأثیر میگذارد و تغییرات مصرف را در بخش صنعت منعکس میکند. گزینه‌های دیگر انرژی (بادی، خورشیدی و غیره) به منابع آب تازه بستگی ندارد.

۴. توسعه فنی: بوسیله افزایش راندمان در مخازن ذخیره و سازه‌های انحراف آن، سیستمهای آبیاری، فرایندهای صنعتی و شبکه‌های آبرسانی بطور مستقیم بر میزان تقاضا تأثیر میگذارد. پیشرفتهای بیشتر در تکنولوژیهای شیرین‌سازی آب دریا که به انرژی کمتری نیاز دارند، میتوانند به کاهش تقاضا منابع آب تازه کمک کنند.

۵. تغییر کاربری اراضی و رشد شهرنشینی: با تمرکز تقاضا در مکانهای نسبتاً کوچک فشار بر زیرساختهای تأمین و تصفیه آب افزایش می‌یابد. همچنین رشد شهرنشینی، تعادل سیاسی را با انتقال مردم از سرشاخه‌ها در مناطق تغذیه و در مقابل مراکز جمعیتی که عموماً در مسیله‌ها و خروجیها ساکن هستند، بر هم میزند و این موضوع مشکلات مدیریت و تعادل را پیچیده میکند.

۶. سرعت تخریب محیط زیست: میتواند در تأمین آب به دو شکل کمی (برداشت بی‌رویه) یا کیفی (آلودگی) در جهت تغییر به سوی استفاده از منابع آب تازه مؤثر باشد.

۷. افزایش آگاهیهای زیست محیطی: بر روی آمادگی جامعه برای تغییر رفتار مصرفی خود تأثیر میگذارد.

۸. برنامه‌های دولت: در تأمین و توزیع منابع آب، مدیریت تقاضا و کیفیت آب از طریق پایش مؤثر است.

۹. تغییرات اقلیمی: انتظار میرود با تغییر الگوی بارش و میزان تبخیر بر سیکل هیدرولوژی اثر بگذارد. با گرم شدن زمین انتظار میرود تشدید جدی در چرخه آب اتفاق بیفتد. در یک اقلیم گرمتر حجم آب بیشتری از گیاهان، خاک و آبهای در سطح جهانی تبخیر میشود و ورود بخار بیشتر به اتمسفر

دوسوی مرز، درجه بلوغ مرز، نوع اختلافات مرزی و چندین فاکتور دیگر تشکیل دهنده فضا هستند. عبارت دیگر، فضای بلافصل مرزی، منعکس‌کننده نوع روابط میان همسایگان است و در همین فضاست که بیشترین تأثیرات همگنیها و ناهمگنیها یا رقابت و همکاریها بوضوح آشکار میشود. همچنین نقش عوامل جغرافیایی در این فضا بگونه‌ی مستقیم قابل رؤیت است. فضای منطقه‌ی روابط کشورهای عضو یک منطقه جغرافیایی را تحت الشعاع قرار میدهد. فضای محیطی روابط مناطق محیطی و پیرامونی را بر یکدیگر تعیین میکند و فضای بین‌المللی روابط کشورها را در سطح جهانی و شرایط بین‌الملل شامل میشود (موفقیان و فرجی‌راد، ۱۳۹۱: ۸۰).

بواسطه پیوستگی جغرافیایی کشورها در فضای بلافصل و قرارگیری در فضای جغرافیایی مشترک برغم تشابهات فراوان، بدلیل ادعاها و تعارضات برخاسته از همجواری، عمق تنشها در این فضا بیشتر بوده و از اهمیت خاصی برخوردارند. تنش و منازعه میان واحدهای سیاسی در ابعاد مختلف داخلی، ملی، منطقه‌ی و جهانی سابقه‌ی به درازای عمر بشر دارد و همواره در طول تاریخ سیاسی و اجتماعی انسان مشاهده شده است. حکومتها نیز به عنوان بارزترین واحدهای سیاسی دارای حاکمیت و اقتدار در فضای سرزمین تحت کنترل خود بخاطر تلاش برای بقای ملی و گسترش حوزه نفوذ و نیز دستیابی به منافع ملی خود، روابطی مبتنی بر تنش و منازعه را با همسایگان و کشورهای دیگر تجربه کرده‌اند (قربانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

کونور (۱۹۹۹م) متغیرهای عمده تأثیرگذار بر تقاضای آب را بشکل زیر ارائه نموده است:

۱. رشد جمعیت: بطور کلی بر میزان تقاضا در همه بخشها مؤثر است و فشار را بر منابع محیطی افزایش میدهد.

۲. رشد اقتصادی: بر میزان استفاده خانگی مؤثر است و موجب انتقال تقاضا بین (و درون) بخشهای کشاورزی و صنعت میشود. رشد اقتصادی معمولاً با افزایش کوتاه‌مدت مصرف سرانه آب همبستگی مثبت دارد.

هیدروپلیتیک در مقیاس محلی

هیدروپلیتیک در این مقیاس به بررسی تأثیر منابع آب و سیاستهای مربوط به آن بر روی روابط اجتماعی و اختلافات و تنشهای محلی که ممکن است در یک منطقه از کشور یا یک ناحیه جغرافیایی رخ دهد میپردازد. در بسیاری از کشورها ضعف مدیریت منابع آب، رقابت شدیدی میان گروههای داخلی جامعه که هر کدام دارای منافع و علایق خاص هستند، بر انگیزنده است (علیزاده، ۱۳۸۳: ۲۷). عبارت دیگر، تحلیل سیاسی در این سطح، روابط محلی-اجتماعی حاصل از شکل قدرت را مورد توجه قرار میدهد. مسئله اصلی در اینجا، تأثیر منابع آب و سیاستها بین‌المللی و اجتماعی هر دولت و اختلافات و تنشهایی که ممکن است بر اثر آن در یک منطقه رخ دهد. در سیاستگذاری منابع آب در سطح محلی، بحث مشارکت محلی در اداره و مدیریت منابع آب نیز مورد توجه قرار میگیرد (بختانی خدمتگار، ۱۳۹۰: ۵۰).

هیدروپلیتیک در مقیاس ملی

این مقیاس از هیدروپلیتیک به بررسی تأثیرات مثبت و منفی تنشهایی سیاسی - اجتماعی احتمالی ناشی از سیاستهای آبی حکومت و دستگاههای دولتی میپردازد. میان سطوح مختلف رابطه آب و سیاست، حکومت و دستگاههای دولتی در تنظیم و اجرای سیاستها و خط مشیهای مربوط به منابع آب در داخل کشورها نقش اصلی را بر عهده دارند. هر کشور بطور کلی دارای سیاستهای مربوط به منابع آب در بخشهای مختلف (آشامیدنی، کشاورزی و صنعت) است و برای ایجاد تأسیساتی جهت ذخیره‌سازی، آبرسانی، تصفیه آب، جلوگیری از وقوع سیل و کنترل سیلابها و همچنین حفاظت از آنها برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری میکند و مؤسساتی برای مدیریت منابع آب و تأسیسات مربوط به آن ایجاد مینماید. در مرحله تنظیم سیاستها، سیاستمداران از طریق پارلمان یا دیگر چارچوبهای سیاسی تلاش میکنند تصمیماتی برای اولویتهای سیاسی و برنامه‌ها اتخاذ نمایند و بعد از طی مراحل اداری این تصمیمات را به اجرا درآوردند. حکومتها بنا بر دلایل متعدد در توسعه و بهینه‌سازی منابع آب سرمایه‌گذاری میکنند که شامل ایجاد امنیت غذایی برای جمعیت در حال رشد (بویژه در کشورهای جهان سوم)، حفظ ثبات سیاسی-

موجب افزایش رواناب شده و چرخه هیدرولوژی را تشدید میکند و باعث افزایش فراوانی و شدت سیلابها و خشکسالیها میشود (Connor, 1999: 3).

روش پژوهش

روش اصلی تحقیق حاضر، با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی - تحلیلی است. بر این اساس، در این تحقیق سعی شده علاوه بر تصویرسازی درست از هیدروپلیتیک منطقه خلیج فارس به تشریح و تبیین تأثیرگذاری آن بر مناسبات شکل گرفته پرداخته شود و همچنین اثراتی که در منطقه بر جای گذاشته شده است بیان گردد. لازم بذکر است که در این راستا برای گردآوری و فیش‌برداری، از اطلاعات کتابخانه‌یی و اینترنتی استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

۱. سطوح‌بندی شکل گرفته از هیدروپلیتیک

با توجه به اهمیت آب در سرنوشت انسانها و جوامع بشری است که ژئوپلیتیک آب یا هیدروپلیتیک موضوعیت پیدا کرده است. هیدروپلیتیک به مطالعه نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعات انسانی و ملتها و دولتها میپردازد؛ اعم از اینکه در داخل کشورها و یا بین آنها دارای ابعاد فراکشوری، منطقه‌یی، جهانی و بین‌المللی باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲). بنابراین، هیدروپلیتیک ترکیبی متوازن از دو واژه آب و سیاست است و تأثیر و نقش‌آفرینی منابع آب بر روابط سیاسی کشورها را مورد مطالعه قرار میدهد. افزایش تقاضا برای مصرف آب و مدیریت ضعیف منابع آب، موجبات تنش بر سر استفاده از منابع آب را هم در درون کشورها و هم در روابط بین کشورها فراهم کرده است. این موضوع در مورد رودخانه‌های بین‌المللی کاملاً مشهود بوده و به چند شاخه تقسیم‌بندی میگردد. اما بطور کلی میتوان هیدروپلیتیک را اینگونه تعریف نمود: دانش شناخت، کسب، بهره‌برداری و حفظ منابع آبی در مناسبات محلی، ملی، منطقه‌یی و جهانی. از اینرو در ادامه به مقیاسهای شکل گرفته از هیدروپلیتیک در سطوح مختلف میپردازیم.

کنفرانس بین‌المللی «آب و طبیعت» که در سال ۱۹۹۲ م. در دوبلین برگزار شد (Mollinga, 2001: 735).

در سالهای پایانی قرن بیستم، آب به عنوان موضوعی مهم در کانون بحثها و مذاکرات بین‌المللی قرار گرفت و تقریباً هیچ نشست بین‌المللی که در آن آینده جهان در هزاره سوم میلادی مطرح باشد را نمیتوان سراغ گرفت که در آن آب و مدیریت آن بصورت یکی از اصلیتین عوامل و عناصر در دستور کار قرار نگرفته باشد. در نشست ریو، آب به عنوان یکی از موضوعات مهم مورد توجه قرار گرفت و در مفاد پایانی این کنفرانس بطور آشکار به حفاظت و برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه و پایدار منابع آب جهت تأمین نیازهای شرب و غیرشرب اشاره شد. همچنین کنفرانسهایی با عناوین «آب و محیط زیست، وضعیت توسعه در آستانه قرن بیست و یکم»، سیاستهای گروهی آب شامل بحثها و سیاستگذاریهای بین‌المللی منابع آب در کنفرانسهایی است که درباره محیط زیست و منابع طبیعی در سطح جهانی انجام میگردد که بدنبال تنظیم و تدوین حقوق و قوانین بین‌الملل جهت استفاده از منابع آبی مشترک میان کشورها و همچنین ایجاد همگرایی میان آنها، برای بهره‌برداری از منابع آبی مشترک و جلوگیری از بروز کشمکش و نزاع بر سر منابع آب است. با ملاحظه سطوح فوق مشخص میشود که رابطه آب و سیاست در سطوح گروهی و ملی در پی سیاستگذاری در خصوص منابع آب برای ایجاد همگرایی در سطوح فوق است که این سیاستگذاریها بیشتر جنبه توصیه‌یی در سطح گروهی و اجرایی در سطح ملی دارند. رابطه آب و سیاست در سطوح منطقه‌یی و محلی نیز بدنبال ایجاد همگرایی در سطح منطقه‌یی و محلی است. اما در این دو سطح کشمکش و درگیری بر سر منابع آب وجود دارد که برآیند آن سیاستهای ملی و جهانی را تحت تأثیر قرار میدهد. بنابراین، هیدروپلیتیک ترکیبی متوازن از دو واژه آب و سیاست است و تأثیر منابع آب بر سیاست و تصمیم‌گیریهای سیاسی در سطوح محلی، ملی، منطقه‌یی و گروهی که میتواند موجب تنش یا همگرایی در این سطوح شود را مورد مطالعه قرار میدهد (بختانی خدمتگار، ۱۳۹۰: ۵۳).

اجتماعی، افزایش رفاه اجتماعی، تأمین سلامت مردم و غیره میباشد (همانجا).

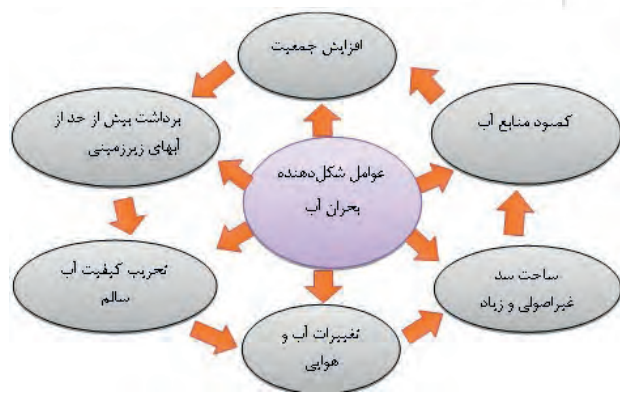
هیدروپلیتیک در مقیاس منطقه‌یی

هیدروپلیتیک امروزه بیشتر در این مقیاس مورد توجه است و سیاستهای کشورها در رابطه با یکدیگر در خصوص توزیع، کنترل و کیفیت منابع آب را مورد توجه قرار میدهد؛ این مسائل هم میتواند موجب تنش و هم موجب همگرایی میان کشورها گردد. برخی رابطه آب و سیاست در سطح منطقه‌یی را بیان تأثیر منابع آب در سیاست خارجی میدانند که چگونگی عملکرد سیاست خارجی یک کشور برای تأمین آب را تبیین میکند. بعبارت دیگر، رابطه آب و سیاست در سطح منطقه‌یی، سیاستهای بین کشورها درباره تخصیص، توزیع، کنترل و کیفیت منابع آب است که میتواند موجب تنش یا همگرایی بین آنها شود. برخی رابطه آب و سیاست در سطح منطقه‌یی را ارتباط بین منابع آب و سیاست خارجی میدانند که چگونگی عملکرد سیاست خارجی یک کشور برای تأمین منابع آب را تبیین میکند. برای مطالعه رابطه آب و سیاست در سطح منطقه‌یی، منابع آبی ممتد در دو سوی مرز مورد بحث قرار میگیرند و عمده‌ترین اختلافات ناشی از منابع آبی مرزی، در خصوص بهره‌برداری از منابع آب و مدیریت حوضه رودخانه‌ها پیش می‌آید. اما نکته قابل تأمل این است که استفاده از منابع آب مشترک به یک رویکرد واحد برای مدیریت منابع آب نیاز دارد. عمده‌ترین بحثی که در این سطح مطرح است، این است که آیا کشورها برای تقسیم آب رودخانه‌ها و استفاده از منابع آب مشترک جهت دستیابی به توسعه با یکدیگر به توافق میرسند یا توافقی بین آنها حاصل نمیکرد؟ در واقع تأکید بر این نکته است که چگونه میتوان از درگیری اجتناب کرد و در جهت همکاری با یکدیگر به توافق دست یافت و غالباً بحث، بیشتر مربوط به ابعاد حقیقی و استراتژیک مذاکره و میانجیگری است (همان: ۵۱).

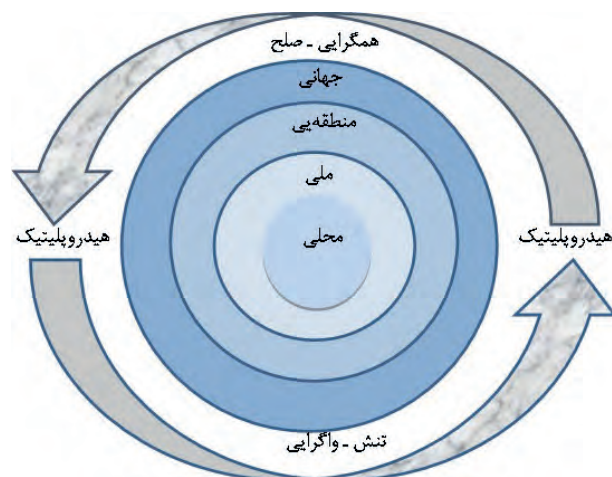
هیدروپلیتیک در مقیاس جهانی

این مقیاس از هیدروپلیتیک درگیر مسائلی همچون مذاکرات و مباحث کلان در کنفرانسهایی بین‌المللی در خصوص آب و فرموله کردن قوانین بین‌المللی در اینباره است؛ مانند

آلودگی آنها، این کمبود تشدید شده و در نتیجه تنشهای حاد سیاسی و اجتماعی در عرصه‌های جهانی، بخصوص کشورهای که در نواحی خشک و نیمه‌خشک قرار دارند، بیشتر خواهد شد. از اینرو، قرن حاضر، قرن بحران آب خواهد بود؛ بحرانی که اگر از همین حالا همه ساکنان سیاره زمین با احساس مسئولیت جمعی به فکر چاره‌جویی نیفتند، در آینده‌ی نه چندان دور، طومار بسیاری از کشورها را در هم نوردیده و جهان را با تراژدی غمناکی مواجه خواهد ساخت. این بحران از دو جنگ جهانی اول و دوم و تمامی جنگهای منطقه‌ی که تا کنون در عرصه جهانی بین کشورها بوقوع پیوسته فاجعه‌بارتر خواهد بود و شاید بحران آب در قرن حاضر، خود زمینه‌ساز جنگ جهانی سوم باشد (رحیمی، ۱۳۸۲: ۲۴). با این اوصاف، از دیگر تنگناهای جغرافیایی در منطقه جنوب غرب آسیا، بحران آب و مسائل مربوط به آن می‌باشد؛ بگونه‌ی که در اکثر کشورهای منطقه‌ی، میزان آبهای سطحی دائمی بسیار محدود بوده و آبهای زیرزمینی عمدتاً شور و با محدودیت استفاده مواجه هستند. علاوه بر آن، بسیاری از این کشورها مانند سوریه، عراق و اردن شدیداً به منابع آبی که از آن سوی مرزها سرچشمه میگیرند، وابسته هستند و همچنین جمهوری اسلامی ایران در دهه حاضر با این بحران مواجه بوده است و روز بروز بر آن افزوده میشود. بر این مبنا، هر گونه کاهش آب موجب خسران در کشاورزی، جیره‌بندی آب در شهرها و کاهش تولید انرژی برق، ایجاد محدودیت و مشکلات در زمینه صنعت در این کشورها میگردد. در این میان حتی برخی از کشورهای منطقه نیز فاقد رودخانه دائمی و حتی فصلی هستند، مانند اکثر کشورهای حوزه خلیج فارس.



تصویر شماره (۲): عوامل مؤثر بر تشدید بحران آب (جان پرور و همکاران، ۱۳۹۶)



تصویر شماره (۱): الگوی سطوح مداخله در بحران هیدروپلیتیک (قربانی سپهر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱)

۲. بحران آب تهدیدی در زیست جهانی

هیچ کشوری بدون اطمینان از داشتن آب، قادر نیست ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود را حفظ کند. این در حالی است که امروزه کمبود و آلودگی منابع آبی، زندگی میلیونها نفر از ساکنان زمین، بخصوص کشورهای فقیر و رو به رشد را بشدت تهدید میکند؛ چنانکه طبق گزارش سازمان ملل متحد در ۱۹۹۰م، در حدود یک میلیارد و دو سیصد میلیون نفر از مردم جهان، از آب سالم و بهداشتی محرومند و پیش‌بینی شده که این رقم تا سال ۲۰۲۵م به دو میلیارد و سیصد میلیون نفر افزایش خواهد یافت. همچنین در آن گزارش آمده است که ۸۰٪ جمعیت جهان، تنها به ۲۰٪ ذخایر آب سالم و بهداشتی دسترسی دارند و آب آلوده، عامل هفت مورد از هر ده مورد مرگ و میر در کشورهای فقیر شناخته شده است (رحیمی، ۱۳۸۲: ۳۳). از اینرو، صندوق جهانی طبیعت (WWF) بحران کم آبی را دومین بحران بزرگ دنیا طی ده سال آینده اعلام کرد که این بحران در کشورهای قاره آفریقا و آسیا بیش از دیگر کشورها دنیا دیده میشود. پیش‌بینی میشود سهم خشکسالیها در دنیا بدلیل تغییرات اقلیمی و جوی در سالهای آینده ۱۰٪ باشد (اردکانی و دارایی، ۱۳۹۵: ۲). بنابراین در حال حاضر بدلیل افزایش جمعیت، بخصوص در کشورهای فقیر و ارتقای سطح زندگی، سرانه مصرف آب در سطح جهان افزایش یافته و بتبع آن، کمبود منابع آب سالم در بسیاری از مناطق شدیداً احساس میشود. همچنین با افزایش جمعیتی در حدود نود میلیون در هر سال به جمعیت کره زمین و برداشت بیش از حد از منابع آبی و نیز

۳. آب و مناقشات (منطقه‌یی و بین‌المللی)

براساس آمارهای بین‌المللی، برای آنکه یک کشور از نظر مقدار آب با مشکلی مواجه نگردد، سهم آب سالیانه هر فرد باید ده هزار متر مکعب باشد. در عمل، میانگین سهم هر نفر از جمعیت حدوداً شش میلیاردی دنیا بطور متوسط ۷۶۰۰ متر مکعب در سال است. براساس برآوردهای انجام شده، هر کشوری که متوسط آب قابل دسترس آن کمتر از ۱۷۰۰ متر مکعب باشد، در وضعیت خطرناک قرار دارد. چنانچه این مقدار کمتر از ۱۰۰۰ متر مکعب در سال برای هر نفر باشد، آن کشور در وضعیت کمبود بسر میبرد (محمودی و سرلک، ۱۳۸۷). با توجه به این شاخص، سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۰م وضعیت آبهای قابل دسترس کشورهای جهان را مورد بررسی قرار داده و از میان کشورهای موجود تعداد ۲۸ کشور در کل با جمعیتی برابر ۳۳۵ میلیون نفر با فشار ناشی از کمبود آب یا «کمیابی آب» مواجه بوده‌اند. این در حالی است که تا سال ۲۰۲۵م، بین ۴۶ تا ۵۰ کشور در طبقه‌بندی فوق قرار خواهند گرفت. جمعیت این کشورها بسته به نرخ رشد جمعیت آنها در دو دهه آتی بین ۲/۷۸۱ تا ۳/۲۹۰ میلیارد نفر تخمین زده میشود. تفاوت دو رقم فوق معادل ۱/۵ برابر جمعیتی است که در سال ۱۹۹۰م در چنین شرایطی میزیسته‌اند. از اینرو کمبود منابع آبی میتواند تنشهای موجود را افزایش دهد و یا تنشهای جدیدی را پدید آورد.

۴. تنش بحرانی آب در منطقه خلیج فارس

تغییرات آب و هوایی، بهره‌برداری مفرط از منابع آب شیرین بدلیل افزایش جمعیت، محوریت کشاورزی در اقتصاد ملی، بکارگیری شیوه سنتی در آبیاری و هدر رفتن بخش قابل توجهی از منابع نیز از مهمترین عوامل کمبود آب در میان کشورهای حوزه خلیج فارس بشمار میرود که بدلیل اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی، نیاز به آب بشدت رو به فزونی است. باید افزود که کمبود آب شیرین یکی از خاستگاه‌های عمده رویارویی در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس در چندین دهه اخیر بوده است (Allan, 2002: 24-31). هر چند که مطالعه درباره بحرانی آب به عنوان منبع تنش در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس معمولاً بر حوزه رودخانه اصلی این منطقه یعنی دجله و فرات، نیل و رود اردن متمرکز است،

اما در عین حال در شمال منطقه خلیج فارس یعنی منطقه خشک آسیای مرکزی، آبهای مشترک میتوانند بسرعت بصورت کنشیار، رویارویی کشورهای تازه استقلال یافته قزاقستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان در آینده و ابعاد بحران را نیز در سرزمینهای ماوری مناطق شمالی خلیج فارس گسترش دهند (گزارش ویژه، ۱۳۷۳: ۱۰۵-۱۰۶). منطقه خلیج فارس نیز که بخش عمده ذخایر نفت جهان را داراست، از این بحران مستثنی نبوده و نیست؛ چرا که با مشکل فزاینده کم‌آبی مواجه است. افزایش روزافزون جمعیت نیز همواره این مشکل را تشدید کرده است. اغلب کشورهای این منطقه دارای منابع آبهای سطحی و زیرزمینی مشترک بوده و بهره‌برداری از آنها همواره منازعات مختلفی را در منطقه پدید آورده است. کشورهای نفت خیز عربی نظیر کویت، قطر، بحرین، عربستان سعودی و امارات متحده عربی جزء پنج کشور از نه کشوری هستند که در سطح دنیا، کمترین منابع آب سرانه را دارند (World Bank, 2005). بر اساس پیش‌بینی سازمان ملل، ایران از جمله کشورهایی است که در سال ۲۰۲۵م با کمبود مزمن آب روبرو خواهد شد (شستلند و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۶۴). نزدیک به ۸۵٪ از مساحت ایران، اقلیم خشک و بیابانی، نیمه‌خشک و فراخشک است. آمار و اطلاعات درازمدت سی ساله شبکه سنجش منابع آب کشور نشان میدهد که ریزشهای جوی به میزان متوسط ۲۵۰ میلی‌متر در پهنه جغرافیایی ایران میبارد که حدود ۳۰٪ آن بصورت برف و بقیه بصورت باران است. با توجه به وسعت کشور، میانگین سالانه ریزشهای جوی ۴۱۲ میلیارد متر مکعب است که از این مقدار، حدود ۲۰۵ میلیارد متر مکعب بصورت نفوذ و رطوبت خاک، ۱۱۵ میلیارد متر مکعب بصورت تبخیر (پس از بارش) از دسترس خارج میشود و ۹۲ میلیارد متر مکعب نیز بصورت روان آب سطحی جاری میگردد. از ۴۱۲ میلیارد متر مکعب ریزشهای جوی حدود ۲۶ میلیارد متر مکعب بصورت مستقیم صرف تغذیه آبخوانهای زیرزمینی میشود (Lehane, 2014: 2-4).

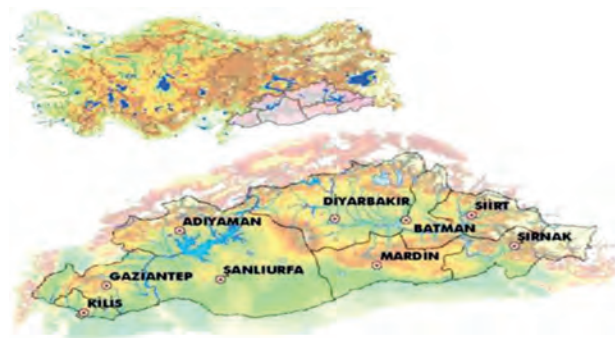
۵. کمبود منابع آب شیرین و منازعه در منطقه خلیج فارس
در ارتباط با بحران آب و منازعه در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، چهار طرف اصلی وجود دارند که عبارتند از:

بدینسان، زمینه همکاریهای آبی و توسعه‌ی ترکیه در سطح منطقه‌ی آغاز میشود، اما باید افزود که پیشنهاد همکاری با برداشتی که ترکیه از عربها دارد، آشکارا در راستای تأمین منافع توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشور است و در مقابل هیچگونه سودی در آن برای طرف عربی دیده نمیشود. در حقیقت، بنظر میرسد که این طرح درصدد است تا با بهره‌گیری از فرصتهای توسعه در کشورهای عربی، ترکیه را به نیروی مسلط در خاورمیانه و خلیج فارس، بویژه در زمینه‌های اقتصادی مبدل سازد. در عین حال باید افزود که با وجود اهمیت حیاتی آب آشامیدنی، آبهایی که در خط لوله‌های صلح جریان مییابند بطور مستقیم در کانال توسعه اقتصادی کشورهای مورد نظر ریخته نخواهند شد؛ چرا که این کشورها همچنان نیازمند آبهای کشاورزی خواهند بود. همچنین آبهایی که از لوله‌های صلح برای برطرف کردن نیاز برخی از کشورهای عربی انتقال خواهند یافت، به نوبه خود به زیان توسعه اقتصادی و اجتماعی در دو کشور سوریه و عراق تمام شده و در پی خود بحران ریزگردهای سرگردان را برای کشورهای منطقه و از جمله ایران به همراه داشته است (بوچانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۶). پژوهشها درباره این موضوع نشان میدهد هنگامی که طرح جنگل به مراحل پایانی خود برسد، موجب کاهش چشمگیری در میزان آب رودخانه فرات که اینک در خاک سوریه جریان دارد، خواهد شد. در این میان، فاجعه زمانی آغاز میشود که آب رودخانه‌های دجله و فرات در خاک عراق بتبع تحولات بالا، بشدت کاهش یابد و زندگی زیست محیطی و کشاورزی میلیونها نفر از ساکنان این کشور را با بحران جدی مواجه سازد (Biswas, Jellali, Stont, 1993).

طرح عمران آناتولی جنوب شرق ترکیه، نگرانیهای بسیاری را برای کشورهای سوریه و عراق در مورد کاهش آبی در راستای تحقق اجرای طرحهای کشاورزی و صنعتی این کشورها برانگیخته و تنشهایی را در مناسبات کشورهای مذکور در پی داشته است. یکی از اصلیترین علل نگرانی دو کشور مذکور این است که رودخانه‌های دجله و فرات نقش ژئواستراتژیک در آنها ایفا نمایند. به باور پاره‌یی از کارشناسان، ترکیه حتی این توان را نیز دارد که در آینده در مقابل

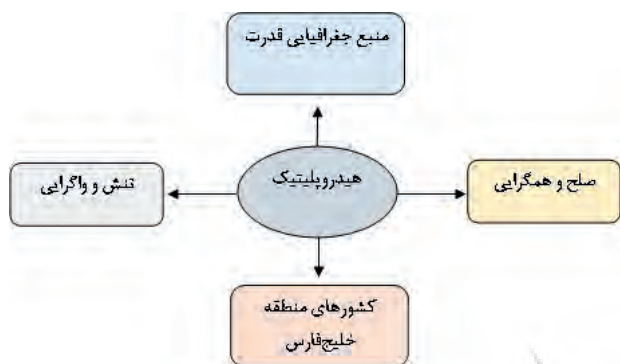
(۱) طرف ایرانی، (۲) طرف عربی، (۳) طرف ترک و (۴) طرف رژیم صهیونیستی. در حال حاضر طرف ایرانی در داخل کشور به موفقیت‌های چشمگیری نائل شده و در حال پیگیری و انجام بر روی طرحهای منطقه‌ی است. طرف ترک و طرف رژیم صهیونیستی سرگرم اجرای برنامه‌ها و طرحهایی برای توسعه منابع آبی در سطح منطقه هستند و طرف عربی، در موضع ضعیف، غیرفعال و مجری طرحهای دیگران است (عیسی، ۱۳۷۳: ۴۴-۴۵).

در ترکیه، آب محور راهبردهای توسعه قرار گرفته است. این کشور در صدد است تا رشدی را که طی دو دهه گذشته بواسطه حرکت صحیح در راه صنعتی شدن و حمایت از توسعه بخش کشاورزی آغاز کرده است، ادامه دهد و بر آن بیفزاید. آب به‌عنوان سنگ زیر بنا در راهبردهای ترکیه برای تحقیق این هدف بشمار میرود؛ زیرا طرحهای آبیاری و تولید انرژی مربوط به رودهای دجله و فرات به عنوان بنیادیترین وسیله تحقیق اهداف توسعه کشاورزی و صنعتی ترکیه بحساب می‌آید. از مهمترین این طرحها، طرح آب جنوب شرقی آناتولی موسوم به طرح جنگل است. ترکیه درصدد است تا بخشی از منابع آبی مناطق آناتولی جنوبی را برای غلبه بر دشواریهایی که سد راه موفقیت در اجرای طرحهای توسعه‌ی این کشور است، بکار گیرد. به همین دلیل، این کشور طرح همکاری منطقه‌ی خود را به همسایگان عرب پیشنهاد کرده است. بر اساس این طرح، ترکیه بخشی از آبهای رودخانه‌های سیحون و جیحون را به نام خط لوله صلح در ازای دریافت برخی تسهیلات به کشورهای عرب حوزه خلیج فارس میفروشد (شکل ۳).



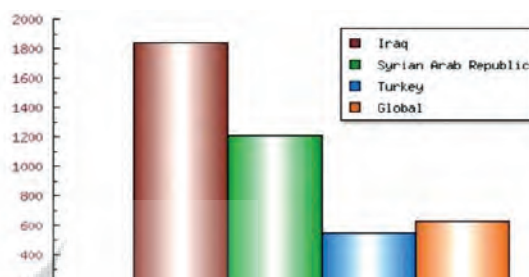
تصویر شماره (۳): منابع آبی آناتولی جنوبی (میرشکاری و قربانی سپهر، ۱۳۹۶: ۹)

و خلیج فارس، چهار طرف اصلی- طرف ایرانی، طرف عربی، طرف ترک و طرف رژیم صهیونیستی- وجود دارند. بنابراین، میتوان جنگ آینده در منطقه خلیج فارس را جنگ آب و دستیابی به منابع آبی دانست که ایران اصلیتین نقش را در شکلهی صلح و همگرایی بجای تنش و نزاع بر سر دستیابی به منابع آبی ایفا میکند.



تصویر شماره (۴): مدل مفهومی هیدروپلیتیک منطقه خلیج فارس (یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۷)

رهاکردن این دو شبکه آب، از عراق تقاضای نفت مجانی کند (عزتی، ۱۳۷۱: ۸۰-۸۶). عراق نیز که از مدتها قبل نسبت به طرحهای عمرانی سوریه در دره رود فرات نگران بوده، اکنون میبیند که احداث سد از سوی ترکیه میتواند جریان ۲۲ میلیارد متر مکعب آب رودخانه مزبور به عراق را به میزان ۵۰٪ تا ۷۵٪ کاهش دهد. این در حالی است که کشورهای سوریه و عراق، با وجود کاهش منابع آبی از سرانه مصرفی بیشتری نسبت به کشور ترکیه برخوردارند (استار، ۱۳۷۱: ۴۵).



نمودار شماره (۱): مقایسه مصرف آب در کشورهای عراق، سوریه و ترکیه (میرشکاری و قربانی سپهر، ۱۳۹۶: ۱۱)

منابع فارسی

- اردکانی، سیدرضا حسینی؛ دارایی، مریم؛ «بحران آب و خشکسالی و تأثیر آن بر زندگی شهرنشینی»، در سومین مجموعه مقالات همایش و نمایشگاه محیط زیست و بحرانهای پیش‌رو، تهران: شرکت مهندسی ماه دانش عطران، ۱۳۹۵.
- https://www.civilica.com/paper_Enrc001_001.html.
- استار، جویس؛ «بحران آب؛ زمینه‌ساز درگیریهای آینده در خاورمیانه»، ترجمه طباطبایی، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال ششم، شماره ۵۵ و ۵۶، ۱۳۷۱.
- بختانی خدمتکار، عبدالرحیم؛ «آبهای جاری افغانستان و منابع آب آن»، در مجموعه مقالات سمینار منطقه‌یی، تهران: انتشارات آکادمی علوم، ۱۳۹۰.
- بوچانی، محمدحسین و همکاران؛ «چالشهای زیست محیطی و پیامدهای ناشی از آن: ریزگردها و پیامدهای آن در غرب کشور ایران»، فصلنامه رهنامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۹۰.
- جان‌پرور، محسن؛ ژئوپلیتیک برای همه، تهران: نشر انتخاب، ۱۳۹۶.
- جان‌پرور، محسن؛ قربانی سپهر، آرش؛ میرشکاری، محمدرضا؛ «نگرشی امنیت‌پژوهانه به بحرانهای پایه‌یی قرن ۲۱»،

تجزیه، تحلیل و نتیجه‌گیری

بر پایه مطالب گفته شده میتوان نتیجه گرفت که جنگ آینده، جنگ آب است و چون منطقه خلیج فارس در ناحیه خشک و نیمه‌خشک جهان قرار دارد، کشورهای آن با بحران آب مواجه هستند. بر این مبنا در این منطقه آب به موضوعی هیدروپلیتیکی تبدیل شده که سرنوشت حال و آینده کشورهای منطقه به این منبع گرانبها بستگی دارد. در مجموع عاملی که در این منطقه منجر به نزاع و تنشهای بسیاری میان کشورهای خلیج فارس شده و در طول تاریخ نیز موجب بسته شدن قراردادهای بسیاری گردیده است، «آب» است که به موضوعی هیدروپلیتیکی در این منطقه تبدیل شده است. زیرا آب به عنوان یک منبع جغرافیایی قدرت به ارزش بالاتر از سطح ملی و نیز به یک مؤلفه ژئوپلیتیکی تأثیرگذار در منطقه خلیج فارس تبدیل شده است. بنابراین، در چالشهای هیدروپلیتیکی که کشورهای منطقه خلیج فارس با یکدیگر دارند، عواملی چون مرزهای دریایی، مرزهای رودخانه‌یی، برداشت و استفاده از آبهای دریایی، دستیابی به آب شیرین و عواملی از این دست سهیمند که در نوشتار حاضر سعی شد تا جایگاه و اهمیت هیدروپلیتیک منطقه خلیج فارس مشخص گردد. در ارتباط با بحران آب و منازعه در منطقه خاورمیانه

مقالات همایش دیپلماسی آب و فرصتهای هیدروپلیتیک غرب آسیا، تهران: ۱۳۹۶.

منابع انگلیسی

- Allan, J. A., *Water Security in the Middle East: The Hydro-Politics of Global Solutions*, [e.book], 2002.
- Biswas, A. K. & Jellali, M., Stont, G. E., "Water for sustainable development in the 21st century: a global perspective", *GeoJournal*, vol. 24, no. 4, pp. 341- 345, 1993.
- Connor. R., 'North America fresh water resources: emerging trends and issues.commission for Environmental Co- operation, Montreal, Canada, 1999.
- Lehane, Sinéad, "The Iranian Water Crisis", *Future Directions International*, www.futuredirections.org.au, 2014./publication/ the - iranian- water- crisis.
- Mollinga P.P., *On the waterfront, Water distribution, technology and agrarian change on a South Indian canal irrigation system*, Wageningen University Water Resources Series, Hyderabad, India: Orient Longman, 2001.
- Turton A. & Henwood, R. (Eds), *Hydropolitics in the developing world, A Southern African perspective*, Pretoria: AWIRU, University of Pretoria, 2002.
- World Bank, "A Water Sector Assessment Report on the Countries of the Cooperation Council of the Arab States of the Gulf", Report, no. 32539_ MNA, www.siteresources.worldbank.org, 2005.

فصلنامه پژوهشهای جغرافیای سیاسی، دوره دوم، شماره هفتم، ۱۳۹۶.

- حافظنیا، محمدرضا؛ *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: انتشارات پاپلی، ۱۳۸۵.
- رحیمی، حسن؛ «بحران آب؛ مشکل ناشناخته جهانی»، *نشریه پیک نور*، دوره اول، شماره دوم، ۱۳۸۲.
- شستلند، ژان و همکاران؛ *جمعیت جهان: چالشها و مسائل*، ترجمه سیدمحمد سیدمیرزایی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، جلد دوم، ۱۳۸۰.
- عراقچی، عباس؛ «دیپلماسی آب، از منازعه تا همکاری»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره سوم، شماره چهارم، ۱۳۹۳.
- عزتی، عزت الله؛ *ژئوپلیتیک*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۱.
- علیزاده، محمد؛ «آب و جمعیت دو عامل تنش در ایران»، *فصلنامه آب و توسعه*، شماره هفتم، ۱۳۸۳.
- عیسی، نجیب؛ «نقش آب در توسعه خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره اول، ۱۳۷۳.
- قربانی سپهر، آرش؛ *جان پرور، محسن؛ میرشکاری، محمدرضا؛ «نگرشی واقع گرایانه به هیدروپلیتیک جنوب غرب آسیا»*، در مجموعه مقالات همایش دیپلماسی آب و فرصتهای هیدروپلیتیک غرب آسیا، تهران: ۱۳۹۶.
- <https://profdoc.um.ac.ir/articles/a/1068848.pdf>.
- قربانی نژاد، ریباز و همکاران؛ «بررسی و نقد نظریه‌های تنش و منازعه کشورهای و ارائه مدل نظری»، *فصلنامه سیاست دفاعی*، شماره ۸۲، ۱۳۹۲.
- گزارش ویژه؛ «تأمین و توزیع آب شرب در کویت»، ترجمه قاسم نصر، *ماهنامه آب و محیط زیست*، شماره نهم، ۱۳۷۳.
- محمودی، بهروز؛ *سرلک، مهدی؛ برآورد عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضای آب و جایگاه ایران در منطقه از نظر توسعه پایدار*، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهشهای اقتصادی، ۱۳۸۷.
- موفقیان، پرستو؛ *فرجی‌راد، عبدالرضا؛ «بررسی و تحلیل منشاء جغرافیایی و فرهنگی تنش بین ایران و پاکستان»*، *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، دوره دوم، شماره هفتم، ۱۳۹۱.
- میرشکاری، محمدرضا؛ *قربانی سپهر، آرش؛ «چالشهای هیدروپلیتیک ایران در منطقه خلیج فارس»*، در مجموعه